

دست نوشته‌های یک مرده

نویسنده: میخائیل بولگاکف
ترجمه: فهیمه توژنده‌جانی



کتابسرای تندیس

Bulgakov, Mikhail

بولگا کوف، میخائیل

دست نوشته های یک مرده / نویسنده: میخائیل بولگا کوف؛ مترجم: فهیمه توزنده جانی.

ISBN 978-600-182-028-1

کتابسرای تندیس، ۱۳۹۰

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. داستانهای روسی - قرن ۱۹ م.

توزنده جانی، فهیمه - مترجم.

PG ۳۳۷ / ۳۸ و ۵۱۳۹۰

۸۹۱/۷۳۳

۲۲۲۱۳۲۹

کتابخانه ملی ایران



کتابسرای تندیس

تهران، خیابان ولی عصر، رسید به استاد مطهری شماره ۱۹۷۷

تلفن: ۸۸۸۹۱۹۱۷ - ۸۸۹۱۳۸۷۹ دفتر: دورنگار و تلفن: ۸۸۹۱۳۰۲۸ - ۸۸۹۱۳۰۸۱

E-mail: TardisBooks@yahoo.com

دست نوشته های یک مرده

نویسنده: میخائیل بولگا کوف

مترجم: فهیمه توزنده جانی

صفحه آرا: اکرم سرساخ

چاپ اول: ۱۳۹۰

تیراژ: ۱۵۰۰

چاپ: غزال

قیمت ۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸۶۰۰۱۸۲۰۲۸۱

ISBN: 978-600-182-028-1

تمام حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی، از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

مقدمه مترجم

منتقدان و نویسندگان بسیاری بولگاکف را همواره یک نابغه ادبی معرفی کردند. رمان «دست نوشته‌های یک مرده» که اکنون در پیش روی خوانندگان محترم است نیز نشانی از همین نبوغ است. بولگاکف کار بر روی این رمان را در سال ۱۹۳۰ بعد از اتمام سانسور بر نمایشنامه‌اش با عنوان «عبادت نمای زیر یوغ» و درگیری‌هایش با تئاتر آغاز کرد و در طول نوشتن آن جدالی جدی با سرگئوویچ استانیسلاوسکی در جریان همان نمایشنامه داشت. او با یک وقفه طولانی در سال ۱۹۳۶ مجدداً کار بر روی رمانش را از سر می‌گیرد. بولگاکف در یادداشت‌های شخصی‌اش دو نام «دست نوشته‌های یک مرده» و «رمان تئاتری» را اتخاذ کرده بود که به عقیده اغلب پژوهشگران عنوان اصلی آن «دست نوشته‌های یک مرده» و دیگری عنوان فرعی می‌باشد که به دلیل جریان اصلی داستان یعنی درگیری ماکسودوف شخصیت اصلی با تئاتر مستقل بعدها توسط بولگاکف انتخاب شده است. این رمان منحصر به فرد با طنز حزن‌انگیزش، با قلبی توانا، زبانی سلیس، نیش‌دار و طنزآلود خفکان حاکم بر فضای فرهنگی و هنری زمانه‌ای را نشان می‌دهد که

بولگاکف را به دفعات در زیر چنگال‌های محدودیت‌ها می‌فشارد. فضای اعمال محدودیت‌های حاکمیت که همواره در طول تاریخ ابتدا هنر و فضای خلاقانه نوشتار را نشانه رفته است، در این رمان با زبانی ساده اما پر کنایه و مغزدار به تصویر کشیده شده است. بولگاکف با به کار بردن نام‌های استعاری، دنیایی واقعی تئاتر و ادبیات روسیه را نقد می‌کند و از طریق شخصیت اصلی داستان دیدگاه خود را نسبت به بالاترین جز این مجموع تا پایین‌ترین آن بیان می‌کند و حتی با نقد روش‌های آموزشی ایوان واسیلویچ در داستان در حقیقت روش‌های استانیسلاوسکی را که در آن برهه با آن درگیر بوده است را نقد می‌کند. فضاهای طنزآلود رمانش نیز تا حدود زیادی به نمایشنامه «عبادت نمای زیر یوغ» مربوط می‌شود و حتی شخصیت اصلی نمایشنامه «برف سیاه» یعنی باختین نیز نمادی از دوست ادبیات‌شناس برجسته‌اش است که با چند سطر کوتاه دیالوگ‌ها و درگیری‌های واسیلویچ با شخصیت باختین از زبان او نیز سخن می‌گوید و تلاش می‌کند تا نشان دهد در دنیای واقع آن چه در حال رخ دادن است ره به جایی نمی‌برد مگر تجدیدنظر کلی بر آن شود. وی با زیبایی بر حق دانستن روابط و ضوابط و مصلحت بر حقیقت را به رخ می‌کشد و دل‌مردگی و یاس هنرمند در این فضا را چنان مانوس به تصویر می‌کشد.

بولگاکف که خود در آن زمان دچار این یأس و ناامیدی است و با آن چه در رمانش آورده تنگاتنگ درگیر، تلاش می‌کند تا به گونه‌ای با زبان استعاره و طنز حقیقت را بیان کند اما متأسفانه مرگ به او مجال این را نمی‌دهد که رمانش را پایان دهد و او رمان را با جمله‌ی «بازی بازیگران می‌بایست طوری باشد که تماشاگر فراموش کند که در مقابلش سنی وجود دارد...» ناتمام رها می‌کند تا همچون بسیاری از بزرگان دنیای حقیقت ماحصل زحماتش بعد از مرگ وی توسط همسرش به چاپ برسد.

هرچند که بولگاکف رمان را در حدود نیم قرن پیش رقم می‌زند اما فضای داستانش چنان زنده و مانوس است که تاکنون نیز توانسته تأثیر خود را بر مخاطب بگذارد و این نشانگر این است که راه بولگاکف‌ها شاید سخت اما همواره پاینده خواهد بود.